

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

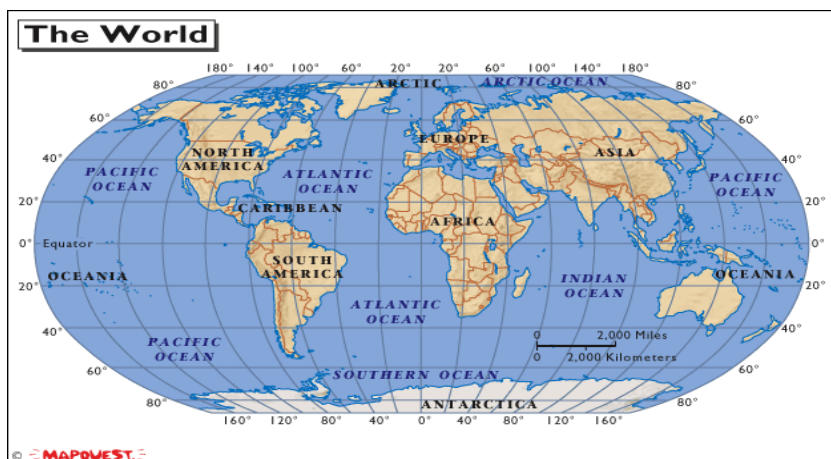
سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز
۲۰۰۸/۲۷/۱۲

ستراتژی جهانی شوروی بعد از تجاوز به افغانستان

تجاوز وحشیانه شوروی به افغانستان سر آغاز طرح های عمیق کرملین غرض تسلط بر جهان بود. در واقعیت افغانستان برای سوسیال امپریالیسم شوروی یک وسیله بود نه هدف. موقعیت جغرافیائی و ستراتیژیک افغانستان، این کشور را سنگر آسیا ساخته است. هر متجاوز که بر افغانستان تسلط داشته باشد، به سهولت میتواند بسوی سرزمین های جنوب آسیا، بحر هند و چشمه های نفت و گاز شرق میانه تاخت و تاز نماید. اگر مقاومت مردم افغانستان نمیبود، شوروی به آسانی میتوانست به اهداف بزرگ نظامی، سیاسی و اقتصادی خود در منطقه و جهان دست یابد. درین مضمون، نیات واقعی شوروی را از تجاوز به افغانستان در سطح جهانی مورد ارزیابی قرار میدهم.

شوروی بهترین فرصت را غرض تجاوز به افغانستان انتخاب نمود. حوادث در افغانستان و ایران، بدنامی جهانی امریکا به ارتباط جنگ ویتنام و ناتوانی نظامی و اقتصادی آن وقت چین، بهترین زمینه را برای تجاوز شوروی به افغانستان و طرح ستراتیژی های آینده آن کشور مهیا ساخت. دهه هفتاد زمان خوبی برای اوج بلند پروازی های سوسیال امپریالیسم شوروی بود. پیمان وارسا حد اقل از نگاه کمیته بر پیمان ناتو برتری داشت. با کودتای دست نشانندگان شوروی در کابل، افغانستان عملاً در مدار شوروی داخل شد. تحولات عمده سیاسی در حبشه، انگولا و موزامبیق و شکست پی در پی امپریالیسم غرب در افریقا، آسیا و امریکای لاتین، شوروی را در موقف استثنائی قرار داد تا از خلی بزرگ سیاسی در این قاره ها بهره برداری نماید. بحران دوامدار در شرق میانه، باعث شد که مسکو خود را دوست جهان عرب معرفی دارد که در واقعیت چنین نبود. همچنان در دهه هفتاد بود که اردوی شوروی در تمام ساحات به پیشرفت های نایل گردید. قوای بحری شوروی از منظقی به جهانی تغیر شکل داد. کشتی های جنگی و تحت البحری های اردوی شوروی در همه ابصار جهان دست به مانور میزدند. قوای زمینی و هوائی این کشور نیز آماده هر نوع ماجراجویی شوروی در دور جهان شد. سرکوب نمودن نهضت آزادی خواهی در اروپای شرقی، شکست ناپذیری اردوی سرخ را در همه جا سر زبانها انداخت. اما نمیدانستند که ماشین عظیم جنگی روس و هیبت اردوی سرخ در دشت ها و کوه پایه های افغانستان منهدم میشود و طرح استعماری مسکو در مسخر ساختن جهان چند قرن به عقب می افتد.



با تجاوز به افغانستان، موقعیت ستراتیژیک شوروی طور قابل ملاحظه ای در منطقه بهتر شد و میتوانست که به آسانی امنیت چاه های نفت و گاز شرق میانه را بضرر غرب مورد تهدید قرار داده و با قوه عظیم نظامی خود اروپای غربی را خنثی نموده و بین امریکا و اروپا درز وسیع ایجاد نماید. اگر شوروی بر نفت و گاز شرق میانه مسلط میگردد، شراین حیاتی جهان غرب قطع میشد و شوروی حاکم بلامنزاع میگردد. اگر افغانستان زیر سیطره روس برای يك مدت طولانی قرار میگرفت، این حالت شوروی را يك قدم به آبهای گرم بحر هند نزدیک ساخت و منابع نفت و گاز بلوچستان را تقریباً در اختیارش قرار میداد. عمال کی جی بی، سال ها در منطقه بلوچستان فعالیت داشتند و برای پخش نفوذ مسکو تبلیغ میکردند. لذا يك پاکستان ضعیف خود بخود رو بزوال میرفت و از دو جانب هند در شرق و افغانستان روسی در غرب خرد و خمیر میشد. لذا قدرتی وجود نداشت که جلو پیشروی ماشین جنگی شوروی را بگیرد. درین جاست که نیروی ملی و مردمی ملت افغان مانند سپر آهنین استاد و هیولای قرن را ازپا درآورد. با وجود خیانت احمد شاه مسعود به جهاد افغانستان در عقد پیمان مخفی با شوروی غرض دیر پائی اردوی سرخ در افغانستان، مقاومت ملی در کشور توانست ضربات سهمگینی بر متجاوزین روس وارد کند و سر انجام شکست را بر سوسیال امپریالیسم شوروی تحمیل نماید. اگر خیانت احمد شاه و یاران وی به افغانستان نمیبود، شاید روس ها زودتر از افغانستان خارج میشدند و حوادث بعد از شکست شوروی هم طوری دیگری در کشور شکل میگرفت و فجایع بعدی اتفاق نمی افتاد.



علیرغم اینکه شوروی منابع غنی تیل و گاز داشت اما در آن وقت تکنالوژی مدرن در دستش نبود که بتواند از چشمه های نفت و گاز مناطق صعب العبور سایبریا طور کامل بهره برداری نماید. ارقام احصائیوی نشان میدهد که در سالیان ۱۹۷۷ به بعد، شوروی از يك کشور صادر کننده نفت و گاز به يك کشور وارد کننده این مواد تبدیل گردید. مصارف کمر شکن نظامی و رشد بطنی اقتصادی، سران کریملین را وادار ساخت که سوسیال امپریالیسم شوروی را مانند امپریالیسم غرب برای استفاده ناجایز منابع نفتی شرق میانه و امریکای لاتین آماده سازد. لذا یکی از اهداف عمده تجاوز شوروی به افغانستان همین رسیدن به آبهای گرم بحر هند و بدست آوردن منابع انرژی شرق میانه بود که کلاً در دست امریکا و اروپای غرب قرار داشت. شوروی همچنان چشم طمع بسوی سرزمین های حاصلخیز و پر بار افریقای جنوبی و ذخایر نفت و گاز خلیج مکزیکو و ونزیویلا دوخته بود. ستراژی جهانی شوروی طوری بود که رقیب جنگ سرد خود امریکا و اروپای غرب را از هر سو تهدید نماید. شکست امریکا در ویتنام، افتضاح و اترگیت، سردی در روابط اروپای غرب و امریکا، مسکو را بیشتر متقاعد ساخت که وقت فرمانروائی روس فرا رسیده و قدرتی هم نیست که جلو تاخت و تاز آنرا بگیرد.

اشغال افغانستان، شوروی را به ذخایر نفت و گاز ایران و عربستان سعودی نزدیکتر ساخت. میدان هوایی شیندن که برای روز مبادا توسط متخصصین شوروی اعمار شده بود، قوای هوایی روس را که مشتمل بر مدرن ترین طیارات جنگی آنوقت مانند میگ ۲۵ و میگ ۲۷ بود، در خود داشت. میدان شیندن اکنون بوسیله قوای متجاوز امریکا مورد استفاده قرار میگردد. ازینجا، شوروی به سهولت میتوانست تاسیسات نظامی ایران را که در زمان شاه متحد امریکا بود، در شرق آنکشور زیر ضربات خود بگیرد و ایران سلطنتی را بی ثبات سازد. قوای تانک و زرهی اردوی سرخ توانائی سریع رسیدن را به بندر عباس داشت بدون اینکه کاری از دست ایران و حامی اش امریکا ساخته میبود. اما آمدن خمینی و استقرار يك نظام تندرو اسلامی برای شوروی يك نوید بزرگ بود که موازنه قوا را کلاً به نفع مسکو تغییر داد. میدان هوایی بگرام و قندهار پاکستان را در تیررس طیارات جنگی شوروی قرار داد. اگر مسکو قادر میشد که آرامش را به نفع خود و نظام دست نشانده اش در افغانستان تامین کند و مقاومت ملی افغان ها را در هم شکند، شاید پاکستان دیگر وجود خارجی نمیداشت.

هدف طویل المدت شوروی در محاصره جهان واضح بود. قوای بحری شوروی توانائی اینرا پیدا کرد که امنیت کشور ها را در جوار بحیره سرخ تهدید نموده و از طرق آبنای باب المندب جای پائی در بنادر حبشه بدست آورده و در بندر مساوا (Massawa) لنگر اندازد. مسکو یمن جنوبی را در زمره اعمار خود درآورد و بندر عدن جایگاه بزرگی برای قوای بحری شوروی شد. عمال کی جی بی (KGB) همراه با جواسیس سازمان جاسوسی آلمان شرق، "ستاسی" (Stasi) از عدن، بیروت و تریپولی فعالیت های وسیع و چشمگیری را به نفع شوروی در سرتاسر شرق میانه براه انداختند. طرح اشغال چند روزه مکه در ۲۰ ماه نوامبر سال ۱۹۷۹، در مرکز کی جی بی در عدن پخته شد و به مرحله اجرا درآمد. قوای بحری شوروی بشمول تحت البحری های آن کشور با عبور از جوار "دماغه امید نیک" در سواحل افریقای جنوبی، بدون اشکال خود را به امریکای جنوبی رساندند. اگر اشغال افغانستان به کدام مانع بر نمیخورد و شوروی بقا میکرد، مسکو به اهداف جیوستراتژیکی خود در سطح جهانی میرسید و محاصره جهان غرب را تکمیل میکرد. به یقین میتوان گفت که امپریالیسم غرب هم دست روی دست نمیگذاشت که پیروزی جهانی سوسیال امپریالیسم شوروی را ببیند و از خود عکس العمل نشان ندهد.



امپریالیسم غرب غرض چپاول ثروت جهان و حفظ شرابین سیاسی و اقتصادی اش برای هر نوع برخورد آماده بود و هست. امپریالیسم غرب میدانست که شوروی تاب تهدید و زور را ندارد و در نهایت عقب نشینی خواهد کرد. بزودی خروسچف در رویارویی با کنیدی در جریان بحران کیوبا در سال ۱۹۶۲ مثال بزرگ برای غرب بود. شوروی عقب نشینی و شکست را بر انهدامش در يك برخورد اتمی رجحان میداد.

شوروی برای پیشروی سیاسی، نظامی و ایده لوژیکی خود، از عمال داخلی کشور های مورد نظر سود جست. احزاب به اصطلاح مارکسیستی متمایل به مسکو فعالیت جهانی را برای شوروی براه انداختند. در افغانستان احزاب خلق و پرچم بهترین وسیله نفوذ و سر انجام اشغال افغانستان بوسیله شوروی گردید. بعداً گروه های تند رو اسلامی مانند جمعیت اسلامی ربانی و شورای نظار هم به آلت فعل کی جی بی مبدل شده که عوض ایده لوژی، گرایش های پوسیده قومی و مذهبی را تبلیغ میکردند. در ایران "حزب توده" که در سال ۱۹۴۱ تاسیس شد، وسیله خوبی برای سازمان استخباراتی شوروی بود. بعد از انحلال حزب توده در ایران، فعالین این حزب در شهر لیبزیگ (Leipzig) آلمان شرقی لانه گرفتند و از آنجا به نفع مسکو فعالیت میکردند. نشرات تبلیغاتی حزب توده رهنمای عمل احزاب خلق و پرچم شده بود. طبق اظهارات افراد مطلع، يك تعداد از اعضای حزب توده برای کار های تحقیقاتی و مجازاتی به هدایت کی جی بی در خدمت خاد در آمده بودند و وظایف غیر شرافتمندانه را انجام میدادند. با انهدام نظام سلطنتی در ایران و بازگشت اعضای حزب توده، شوروی دست بالا در ایران پیدا کرد. بعد از استقرار نظام آخندی در ایران، کی جی بی سازمان استخباراتی ایران وواک را در هر جهت معاونت نمود و این دستگاه را با شیوه های جدید استخباراتی و شکنجه آشنا ساخت و آنرا سروسامان داد. نظر به اعتراف مایکل گلونویوسکی (Michael Goloniewski) یکی از اعضای سابق سازمان استخباراتی پولند که به امریکا پناهنده شد، "خمینی از زمره پنج تن از مهمترین افرادی بود که کی جی بی با او تماس داشت." با از دست دادن ایران، امریکا نقش قبلی ساواک را به آی اس آی پاکستان منتقل نمود و ازین سازمان جهنمی هیولایی جدید ساخت که هموطنان ما از عملکرد این سازمان خوب آگاهند.

به هر زودیکه مسکو قادر به تسلط کامل افغانستان میشد، به همان زودی مانور های سیاسی و نظامی شوروی برای بسط و تحکیم قدرت جهانی اش آغاز میگردد. اشغال افغانستان سرآغاز ماجراجویی های دنیائی شوروی بود که مبارزات مردم افغان جلو اش را گرفت. جنگ های آزادیبخش ملت افغان از یکسو و پوسیدگی دستگاه رهبری کریملین از سوی دیگر، به آرزوی های استعماری سوسیال امپریالیسم شوروی نقطه پایان گذاشت.